ادامه از صفحه ۵

فقدان آیین دادرسی برای حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان

... به‌گونه‌ای که هم بتوان از حقوق مصرف‌کنندگان حمایت کرد و هم رفتار فردی را که در موقعیت برتر اقتصادی قرار دارد، اصلاح کرد، ضروری است.

در نظام حقوقی آمریکا برای چنین موقعیت‌هایی که تعداد زیادی از افراد از یک عمل غیرقانونی متضرر شده‌اند، اما هیچ‌یک از آنها شخصاً به‌عنوان خواهان بنا به دلایل ذکرشده در بالا امکان طـرح دعوی حقوقی را ندارد، نهـادی تحت عنوان دعوی گروهی (طبقاتی یا دعوی به نمایندگی) در ماده ۲۳ قانون آیین دادرسـی فـدرال ۱۹۶۶ پیش‌بینی شـده و در خلال آرای قضائی گسـترش یافته اسـت. در این نوع دعوی شـخص خواهان بـه نمایندگی از همه افرادی که موقعیت مشـابهی بـا او دارند و همگی متحمل آثار زیان‌بـار از یک رفتار غیرقانونی شـده‌اند، طرح دعوی می‌کند. دعوای گروهی، هم نقش جبران خسـارت و هم نقش بازدارندگی را ایفـا می‌کند. در واقع صرف ایفاء نقش‌ها نمی‌تواند نقض حقوق خود را از طریق این روش بیگیری کنند. سـبب آگاهی شرکت‌های بـزرگ از این موضوع می‌شـود که بایـد هزینه واقعـی اقدامات غیرقانونی را خـود پـرداز‌ند. با وجود اینکه این نهاد پیچیدگی‌ها و ویژگی‌های مختص به خـود را دارد، اما اصول کلی حکم بر آن به شرح ذیل است:

دعوای گروهی به همان شـیوه دعاوی عادی طرح می‌شود. با ایـن تفاوت که خواهان به‌عنوان نماینـده از طرف همه افرادی که در موقعیت مشـابهی با خواهان قـرار دارند، طرح دعوی می‌کند. افرادی که نمایندگی قرار می‌گیرند، عنوان «غایب» را دارند و حتی ممکن است ندانند که چنین دعوایی از طرف آنها طرح شده است.

بعد از طرح دعوی دادگاه باید دعوی را تصدیق کند. به این معنا که باید ارزیابی کند که آیا شـروط مندرج در مـاده ۲۳ قانون آیین دادرسـی فـدرال محقق شـده و امکان درنظرگرفتن دعوی به‌عنوان دعوی گروهی وجود دارد یا خیر؛ البته این به معنای ورود دادگاه در ماهیت دعوی و بررسـی مبانی دعوی نیسـت. درصورتی‌که دادگاه شـروط تحقق دعوای گروهی را احراز نکند، دعوی را رد می‌کند در این حالت فرد نماینده به‌صورت فردی می‌تواند شـکایت را ادامه دهد که البته با لحاظ اینکه موضوع دعوی بسـیار جزئی و کوچک اسـت، معمولا فرد نیز دعوی را ادامه نمی‌دهد و دعوی در این مرحله به‌منزله مرگ دعوی است.

برای عمل یکی از شـروط مندرج ماده ۲۳ این اسـت که شخص خواهان نماینده منافع گروه باشد و خود نیز منافع مشترکی با سایر اعضای طبقه داشـته باشـد. بنابراین اگر ادعا این باشـد که بانک درخصوص برخی از حسـاب‌های بانکی مبلغی زیادتر از حد مقرر اخذ کرده، نماینده نیز باید در مدت مورد ادعا حسـاب بانکی داشته باشد و این مبلغ زیادتر نیز از حساب وی کسر شده باشد.

این موضوع که دعوای گروهی مطرح و مـورد تصدیق دادگاه واقع شـده اسـت، باید به‌لحاظ رعایـت فرایند دادرسـی عادلانه به نوعـی به اطلاع افراد غایب برسـد. در واقع این ابلاغ باید به یا بیایید و بـشکافید که ریشه‌های مشکلات این صنعت را متوجه شـویم در درونش جبرئ نیند. معضلات ناشی از اقتصادی است که در بخش دولتی داریم؛ دروافع سـاختار دولتی ما، عمدتا نفت، گاز، طـلا و منابع نظامـی و... را در قبضه خود قرار داده اسـت. حدود ۳۸ درصد جامعـه هم در این بخش بـه‌صورت مسـتقیم یا غیرمسـتقیم مشغول هسـتند. مابقی جمعیت ۶۲ درصدی در بخش صنعت سـاختمان و صنایع وابسـته به صـورت آزاد کار هسـتند. برترین و بالغیت‌ترین نگاه‌ها در اینجا قضاوت سوسیالیسـتی است. مباحث و حقی به بخش خصوصی که از سرکوب می‌گوید، ادعاهـا تابع حقوقی نیسـت. اینها فساد ایجاد می‌کند. افزایش دعوی بـه دلایل ذکرشده در بالا امکان طـرح دعوی حقوقی را ندارد. نهـادی تحت عنوان دعوی گروهی (طبقاتی یا دعوی به نمایندگی) در ماده ۲۳ قانون آیین دادرسـی فـدرال ۱۹۶۶ پیش‌بینی شـده و در خلال آرای قضائی گسـترش یافته اسـت. در این نوع دعوی شـخص خواهان بـه نمایندگی از همه افرادی که موقعیت مشـابهی بـا او دارند و همگی متحمل آثار زیان‌بـار از یک رفتار غیرقانونی شـده‌اند، طرح دعوی می‌کند. دعوای گروهی، هم نقش جبران خسـارت و هم نقش بازدارندگی را ایفـا می‌کند. در واقع صرف ایفاء نقش‌ها نمی‌توانند نقض حقوق خود را از طریق این روش بیگیری کنند. سـبب آگاهی شرکت‌های بـزرگ از این موضوع می‌شـود که بایـد هزینه واقعـی اقدامات غیرقانونی را خـود پـرداز‌ند. با وجود اینکه این نهاد پیچیدگی‌ها و ویژگی‌های مختص به خـود را دارد، اما اصول کلی حکم بر آن به شرح ذیل است:

دعوای گروهی به همان شـیوه دعاوی عادی طرح می‌شود. با ایـن تفاوت که خواهان به‌عنوان نماینـده از طرف همه افرادی که در موقعیت مشـابهی با خواهان قـرار دارند، طرح دعوی می‌کند. افرادی که نمایندگی قرار می‌گیرند، عنوان «غایب» را دارند و حتی ممکن است ندانند که چنین دعوایی از طرف آنها طرح شده است.

بعد از طرح دعوی دادگاه باید دعوی را تصدیق کند. به این معنا که باید ارزیابی کند که آیا شـروط مندرج در مـاده ۲۳ قانون آیین دادرسـی فـدرال محقق شـده و امکان درنظرگرفتن دعوی به‌عنوان دعوی گروهی وجود دارد یا خیر؛ البته این به معنای ورود دادگاه در ماهیت دعوی و بررسـی مبانی دعوی نیسـت. درصورتی‌که دادگاه شـروط تحقق دعوای گروهی را احراز نکند، دعوی را رد می‌کند در این حالت فرد نماینده به‌صورت فردی می‌تواند شـکایت را ادامه دهد که البته با لحاظ اینکه موضوع دعوی بسـیار جزئی و کوچک اسـت، معمولا فرد نیز دعوی را ادامه نمی‌دهد و دعوی در این مرحله به‌منزله مرگ دعوی است.

برای عمل یکی از شـروط مندرج ماده ۲۳ این اسـت که شخص خواهان نماینده منافع گروه باشد و خود نیز منافع مشترکی با سایر اعضای طبقه داشـته باشـد. بنابراین اگر ادعا این باشـد که بانک درخصوص برخی از حسـاب‌های بانکی مبلغی زیادتر از حد مقرر اخذ کرده، نماینده نیز باید در مدت مورد ادعا حسـاب بانکی داشته باشد و این مبلغ زیادتر نیز از حساب وی کسر شده باشد.

این موضوع که دعوای گروهی مطرح و مـورد تصدیق دادگاه واقع شـده اسـت، باید به‌لحاظ رعایـت فرایند دادرسـی عادلانه به نوعـی به اطلاع افراد غایب برسـد. در واقع این ابلاغ باید به یا بیایید و بـشکافید که ریشه‌های مشکلات این صنعت را متوجه شـویم در درونش جبرئ نیند. معضلات ناشی از اقتصادی است که در بخش دولتی داریم؛ دروافع سـاختار دولتی ما، عمدتا نفت، گاز، طـلا و منابع نظامـی و... را در قبضه خود قرار داده اسـت. حدود ۳۸ درصد جامعـه هم در این بخش بـه‌صورت مسـتقیم یا غیرمسـتقیم مشغول هسـتند. مابقی جمعیت ۶۲ درصدی در بخش صنعت سـاختمان و صنایع وابسـته به صـورت آزاد کار هسـتند. برترین و بالغیت‌ترین نگاه‌ها در اینجا قضاوت سوسیالیسـتی است. مباحث و حقی به بخش خصوصی که از سرکوب می‌گوید، ادعاهـا تابع حقوقی نیسـت. اینها فساد ایجاد می‌کند. افزایش دعوی بـه دلایل ذکرشده در بالا امکان طـرح دعوی حقوقی را ندارد. نهـادی تحت عنوان دعوی گروهی (طبقاتی یا دعوی به نمایندگی) در ماده ۲۳ قانون آیین دادرسـی فـدرال ۱۹۶۶ پیش‌بینی شـده و در خلال آرای قضائی گسـترش یافته اسـت. در این نوع دعوی شـخص خواهان بـه نمایندگی از همه افرادی که موقعیت مشـابهی با